



گردنبند یافت شده در سیستان (شهر سوخته)
از جنس سنگهای قیمتی متعلق به ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰
سال پیش.



صفحه برنز یافت شده در لرستان متعلق به
۳۰۰۰ تا ۲۲۰۰ سال پیش.



گلدان از جنس سفال یافت شده در دامغان (سمنان)
متعلق به ۴۲۰۰ تا ۴۴۰۰ سال قبل.



دستبند طلا با سر شیر یافت شده در
زویه کردستان متعلق به ۲۷۰۰ تا ۲۸۰۰
سال پیش.



یافت شده در آذربایجان
(حسن لو) متعلق به ۲۸۰۰ تا ۳۰۰۰
سال پیش.



جام با شیر پرنده از طلا یافت شده در
اکباتان (همدان) متعلق به ۲۴۵۰ تا ۲۵۰۰ سال
پیش.

در نتیجه آریایی‌ها ساکنین ایران بزرگ از بدو پیدایش بشر در این آب و خاک زندگی کرده‌اند، رشد نموده‌اند و خاک مقدس آریایی به آنها نیروی نیک اندیشیدن و نیک زیستن را داده است. در این سرزمین خانواده‌ها، دسته‌ها، قبیله‌ها و اقوام مختلف با نام‌های گوناگون زیسته‌اند و رفته رفته تشکیلات قبیله‌ای، قومی و کشوری را با قوانین مختلف پایه‌ریزی نموده‌اند. درست است که بشر از ابتدا برای یافتن محیط بهتر مهاجرت نموده است و انسان‌های مختلف به سرزمین‌مان مهاجرت کرده‌اند و یا تعدادی از خانواده‌های آریایی از سرزمین خودشان به مناطقی دیگر کوچ کرده‌اند ولی به هیچ وجه اقوام آریایی به صورت اقوام بزرگ و متشکل از هندوچین به سرزمین‌مان مهاجرت ننموده‌اند، این سناریو را دانشمندان کژاندیش و ضد ایرانی برای پنهان کردن این که سرزمین ما گهواره پیدایش تمدن و فرهنگ جهان است، ساخته و پرداخته‌اند.

در اینجا لازم به توضیح می‌باشد، نه اینکه آریایی‌ها از هندوچین به سوی سرزمین‌مان مهاجرت نموده‌اند، بلکه آریایی‌ها که از ابتدا در سرزمین ایران کنونی می‌زیسته‌اند به سوی هندوچین و اروپا در سه نوبت که قبلاً به آن اشاره شد مهاجرت کرده‌اند.

مهر ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

نبرد نیکی با اهریمن



مثلت زندگی نور، آب و خاک می باشد. میترا سنبل پدیده نور و روشنایی اولین نهاد ستایش جهان آفرین اهورا مزدا بر روی کره زمین می باشد. اولین قوانین انسانیت بر روی کره زمین توسط میترا که پیامبر روشنایی بود ترسیم شد. خورشید، نور و روشنایی اولین سرشت حیات انسان است که اولین بار توسط میترا مورد ستایش قرار گرفت. میترا از نسل آریا و پارسی بود که در سرزمین آریایی ها (ایران امروزی) تولد یافت.

ایزد توانای سرزمین آریا به میترا نیروی اندیشه و تفکر برتر ارزانی داشت تا بتواند راهبری انسان ها را به سوی نور هستی یعنی پدیده نهایی آفرینش و سنبل وجود اهورا مزدا به دوش کشد. پس از آن میترا نیک ترین نیکی های آفریدگار جهان را آموخت و سنبل خورشید پرنده سنبل ستایش قدرت آفریننده یکتا قرار گرفت و این سنبل و اندیشه نیکی توسط آریایی ها به جهان سرایت نمود و پس از آن آشو زرتشت پیامبر آریایی ها که از پارسیان بود اهورا مزدا را نیروی جهان آفرین و او را یزدان نیکخواه نامید که جهان را در ۶ نوبت آفرید. او مثلث نور، زمین و آب را پایه های مادی آفرینش نهاد و مثلث پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را روح و روان آن. از آن شد که انسانهای فرهیخته با دو مثلث زندگی، مهر و دوستی و زیبایی، جنگ با اهریمن زشتی را آغاز نمودند. در تضاد با نیکی و بدی اندیشه های دیگری نیز در نبرد با اهریمن تولد نو یافتند که همه آنها منشأ نور اهورایی و اندیشه مهرستانی را سرلوحه کیش خویش نهادند و نبرد علیه اهریمنان را پیامبرانی چون ابراهیم، موسی، عیسی و محمد دنبال کردند.

من آرمان نوری، آریایی از قوم پارسی و فرزند ایرانزمین اجازه نخواهم داد که کژاندیشان و سیه دلان خودکامه ضد ایران و ایرانی نهاد مادی و روانی فرزندان این سرزمین را که از خاک و خون و بستر فرهنگیمان نشأت می گیرند نابود سازند. فرزندان ایرانزمین بدانید که جهان آدمیت و بشریت و نهاد انسانیت و تمدن از آب و خاک و بستر فرهنگی سرزمین اهورایی ما سرچشمه می گیرد. فرزندان ایرانزمین سرزمین اهورایی ما نهاد آفرینش و دهش نیکی هاست و ما از نسل نیکان هستیم.

فرزندان ایرانزمین به خود آید، شما نهاد همه خوبی ها هستید و دم اهورا، ایزد توانای ایرانزمین در روح و روان همه شماست.

از خون و خاک و بستر فرهنگی و نماد زیبایی، مهر و دوستی با یکدیگر، مدد گیرید و با خشم و غضب بر اهریمنان سیه گون ضد ایران و ایرانی بتازید و نابودشان سازید.

من آرمان نوری به امید همسو کردن ملت ایران در رهنمود به فراسوی ایرانی آزاد و آباد و سرفراز می باشم که در نهایت نیکی، زیبایی، مهر و دوستی به سرزمین اهوراییمان بازگردد. فرزندان ایرانزمین از نیروی عظیم اندیشه، توان و روان خود نیروی غلبه بر دشمنان را تدارک بینید و بدانید که دشمنان ما تاب و توان مقاومت در مقابل خشم فرزندان ایرانزمین را نخواهند آورد. پیروزی از آن فرزندان نیک اندیش و مبارز ایرانزمین خواهد بود.

فرزندان ایرانزمین اگر ایزد نیکخواه ایرانزمین را دریابید و برای نابود ساختن دشمنان ایرانزمین در کنار هم قرار گیرید، من شما را به سوی آرمان های نیکی و نور یزدان نیکخواه ایرانزمین راهبری خواهیم نمود و با هم کشوری خواهیم ساخت مملو آزادگی و بالندگی در سیر تمدن جهانی.

مهر ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

اندیشه رزم ایرانی علیه استعمارگران جهانخوار

هم میهنان عزیز، **فرزندان ایرانزمین** بنگریم که اکنون در چه شرایطی به سر می بریم؟ اوضاع داخلی ایران، از زمان به قدرت رسیدن **شیاطین مذهبی** با حمایت استعمارگران جهانخوار، به مدت ۲۸ سال، همواره بحرانی بوده است. مردم ایران در این مدت حتی یک روز خوش به چشم ندیده اند و همواره در فضایی مسموم و غیر قابل تنفس به سر برده اند و شب **سیه گونه** خود را به امید **تولد سپید** و فرح انگیز به سحرگاه رسانیده اند. ما مردم ایران، به مدت ۲۸ سال است که تحت ظلم، ستم و شکنجه **بنیادگرایان** جلاذ مذهبی قرار گرفته ایم و در این میان، صدها هزار تن از هم میهنان مبارز ما به دست **شیاطین مذهبی** جان باخته اند. در جنگ هشت ساله که با دسیسه **استعمارگران جهانخوار** بر ملت شریف ایران تحمیل شد، میلیاردها دلار سود از فروش اسلحه، نفت و گاز منطقه به جیب جهانخواران بی رحم و **کارتل ها و تراست های** نفتی و غیرنفتی جهانی سرازیر شد. در این جنگ بیش از یک میلیون از **فرزندان** این آب و خاک به خون غلتیدند و صدها هزار معلول جنگی بر جا ماند. اعدام ها، شکنجه ها و ضرب و شتم **فرزندان ایرانزمین** توسط این حکومت مزدور و بیگانه پرست، ۲۹ سال است که ادامه دارد. قوانین مدنی و اجتماعی ضد ایران و ایرانی این حکومت جبار اسلامی، زندگی را برای همه هم میهنان عزیزمان، مانند جهنمی ناگزیر در آورده است. در هر صنف و گروه اجتماعی در **میهن اهوراییمان**، مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی غیرقابل حل، با وجود این حکومت دستاریند ضد ایران و ایرانی به چشم می خورد. زنان و جوانان در فضای خفقان و بیمار موجود، امید خود را به زندگی و آینده از دست داده اند. این حکومت دست نشانده **استعمارگران جهانخوار غربی**، به مدت ۲۹ سال تحت حمایت های غیبی آنان هرچه توانست، شکنجه، بی حرمتی، ظلم و ستم و کشتار، بر **فرزندان ایرانزمین** روا داشت. در کنار، این **حکومت شیاطین مذهبی جنایتکار** و مزدور، منابع طبیعی و ثروت های تاریخی و فرهنگی ما را به اربابان خارجی خود هدیه داده است و **استعمارگران جهانخوار** نیز از بحرانی کردن شرایط ایران و در کل خاور بزرگ، بهره های فراوان برده اند. همانگونه که بارها اشاره شده است

استعمارگران جهانخوار بی رحم برای چپاول ثروت منطقه و اجرای مقاصد شوم استعماری خود خاور بزرگ را به صورت یک منطقه همیشه بحرانی نگاه داشته اند و میلیون ها انسان بیگناه بدست ناپاک **سیاستگزاران استعمارگر جهانی** به هلاکت رسیده اند. در کنار این سیاست مزورانه، خشن و مرگ آفرین، میلیاردها دلار به کشورهای غربی، **کارتل ها** و **تراست های** نفتی و غیرنفتی جهانی سود رسیده است.

هم میهنان عزیز، فرزندان ایرانزمین، آیا تاکنون از خودتان پرسیده اید که چرا **آمریکا**، **انگلیس** و بطور کلی جهان غرب و همچنین **روسیه** و **چین پشتیبان** حکومت تروریستی اسلامی در ایران اند و با آن موش و گربه بازی می کنند و با اجرای سناریوهای گوناگون افکار مردم ایران و جهان را مشغول نگاه داشته اند؟ و چگونه است که این حکومت جبار ضد ایرانی با وجود بیش از ۹۰ درصد مخالف در ایران هنوز پابرجا مانده است؟

جواب آن ساده و روشن است، این **حکومت مزدور بیگانه پرست** در مسیر نیازها و خواسته های اقتصادی جهانخواران گام بر می دارد و نباید فریب شعارهای آنان را خورد.

هم میهنان عزیز، **فرزندان ایرانزمین**، در این مدت ۲۹ سال دیده شده است که رادیوهای زبان فارسی بیگانه و **تلویزیون های لوس آنجلس** همواره مستقیم و غیرمستقیم برای ناامید کردن مردم ایران فعال بوده اند. رادیوها و تلویزیون های بیگانه نگذاشته اند که جنبش های برانداز، بتوانند به پیروزی برسند و به عکس بر فریادهای آزادیخواهانۀ آنها سرپوش بی صدایی و خفقان نهاده اند.

فرزندان قهرمان و مبارز ایرانزمین، به خود آید، این شما هستید که در ایرانزمین با همبستگی و اتحاد برای انجام یک قیام همگانی می توانید این حکومت دستارند ضد ایرانی و مزدور را نابود سازید و به زباله دان تاریخ بسپارید.

فرزندان ایرانزمین، سیاست های بیگانه برای منافع اقتصادی خویش، این حکومت شیطانی را بر ما چیره ساخته و همواره از آن حمایت کرده اند. **فرزندان ایرانزمین بپاخیزید**، آگاه شوید، زمان دفاع از آزادی و حق و حقوق خویش فرا رسیده است، به امید یاری بیگانگان نباشید.

سیاست های بیگانه به غیر از منافع خود که با وجود این **حکومت اهل عمامۀ** مزدور حفظ می شود به چیز دیگری نمی اندیشد. سرافرازی، **آزادی** و **آبادی** ایران برای آنان ارزشی ندارد. ملت ایران، بیدار شوید. خود را برای کارزار آماده سازید که زمان آن فرا رسیده است. تا کی شاهد **اعدام** ها، **شکنجه** ها و **بی حرمتی** ها بر فرزندان این آب و خاک اهورایی باشیم. ما ایرانیان از نیروی اندیشه و جسمانی کافی برای نابود ساختن دشمنان ایرانزمین برخوردار هستیم و باید آن را بکار گیریم و بدانیم که تنها با همت خودمان است که می توانیم دشمنان ایرانزمین را نابود سازیم.

نبرد با اهریمن

فرزندان ایرانزمین اگر ایران **آزاد، آباد و سرافراز** را آرزو دارید، **بپاخیزید** که زمان تردید به سر آمده است و هنگام رزم فرا رسیده است. فرزندان ایرانزمین با اتکا به نیروی اندیشه و قدرت جسمی خود به این جنگ ۲۹ ساله که در طی آن ملت ایران اسیر دشمنان ایرانزمین بوده است خاتمه دهید.

فرزندان ایرانزمین، ما با یاری یکدیگر و تنها با اتکا به نیروی عشق به ایران و ایرانی، چنان قدرتی فراهم خواهیم آورد که استعمارگران جهانخوار بر آن سر تعظیم و تسلیم فرود خواهد آورد و با همیاری یکدیگر، شیاطین مذهبی در ایران را نابود خواهیم کرد.

فرزندان ایرانزمین، زمان مبارزه و ستیز واقعی با دشمنان ایرانزمین فرا رسیده است. شیرزنان، آزادمردان مبارز، قهرمانان ایرانزمین، زمان کارزار و نابود ساختن دشمنان ایرانزمین فرا رسیده است، **بپاخیزید**.

زمان آن فرا رسیده است که شیردلان ایرانزمین با غرش و یورش مهیب خود دشمنان را به هراس و گریز وادارند و آنان را نابود سازند.

فرزندان ایرانزمین، با تکیه بر نیروی اندیشه و ابتکار همراه با رزمی استوار و قهرمانانه می توانیم این شیاطین مزور مذهبی را نابود سازیم و این مرز پرگوهر را از چنگال پلید دزدان و قاتلان داخلی و خارجی رها سازیم.

فرزندان ایرانزمین، اکنون زمان انتخاب مبارزه تا پیروزی فرا رسیده است، بیدار شوید، با همبستگی و اتحاد شما مردم، در مسیر براندازی، نیروی عظیم و زنجیره ای نابودکننده فراهم خواهیم آورد که با آن دشمنان ایرانزمین را از پا در خواهیم آورد و بدانید که این تنها مسیر رهایی و **نجات ایرانزمین** است و پیروزی، از آن مبارزان دلیر میهن پرست و آزادیخواه ایرانزمین خواهد بود.

مهر ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

احمدی نژاد آخرین رئیس جمهور حکومت شیاطین اسلامی در ایران



در تاریخ چندین هزار ساله ایرانزمین، تعداد بی شماری از **قاتلان، دزدان و جنایتکاران** در پی **کشتار و جنایت** مردم بی گناه به قدرت رسیده اند، هم اکنون نیز **احمدی نژاد** همچون بختکی بر مردم ایران فرود آمده تا با کشتار و ارباب آزادیخواهان و میهن پرستان بتواند اساس حکومت جباران را حفظ کند، ولی به قدرت رسیدن او نیز هماهنگ شده توسط **کارگزاران** اصلی حکومت اسلامی بود که **طیف وابستگان بین المللی** هستند و اکنون به ظاهر دیگر بر سر قدرت نیستند و با عملکردهای ضد مردمی و خشن احمدی نژاد (**جلاد جیره خوار**)، آنها می توانند به خود چهره ای دمکراتیک و مردم گرا بدهند تا مردم جنایات آنها را فراموش کنند. اکنون باید همه کشورهای پیشرفته دنیا مانند **اتحادیه اروپا** روابط خود را با **حکومت تروریستی اسلامی** قطع نمایند و چنانچه رئیس جمهور **حکومت اسلامی** به این کشورها وارد شد باید دستگیر شود و به دادگاه بین المللی به علت کشتار آزاداندیشان ایرانی معرفی و محکوم شود. کشورهایی که از او و **حکومت تروریستی اسلامی** در حال حاضر حمایت کنند **حامی تروریست** خواهند بود و از دیدگاه ملت ایران محکوم خواهند شد و در آینده بعد از **براندازی** هیچگونه روابط دوستانه ای با ملت ایران نخواهند داشت. **سازمان پارس و شورای براندازی** در افشاگریهای خود برای نشان دادن خوی وحشی،

نبرد با اهریمن

ضد انسانی و **تروریستی حکومت اسلامی**، تمام جنایات و **روابط آن** را با گروههای تروریستی **بین المللی** در ایران و خارج ایران به جهانیان گزارش داده و می دهد.

در این راستا منابع و مسئولان **اطلاعاتی سازمان پارس و شورای براندازی** در ایران و خارج از ایران سهم بسزایی در این افشاگریها داشته اند.

هرچند که سالهاست این گونه افشاگریها و **ددمنشی حکومت اسلامی** توسط ما به تمام مقامات دولت **آمریکا** و دیگر کشورها ابلاغ شده است، ولی آنها همچنان از حکومت اسلامی برای حفظ منافع اقتصادی خود **حمایت** کرده اند.

در پایان هشدار می دهیم به تمام دولتهایی که باوجود این گونه اطلاعات موثق و شناخت **ماهیت وحشی و تروریستی** این حکومت، همچنان از آن حمایت کرده اند، در عملکرد خود تجدید نظر کنند و روابط سیاسی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی خود را هرچه زودتر با حکومت اسلامی قطع نمایند و در عوض از **جنبش براندازی** برای رسیدن به ایرانی **آزاد، آباد و سرافراز** حمایت کنند.

در این شرایط حساس از تاریخ ایران، **سازمان پارس و شورای براندازی** نخست از ملت مبارز، **آزادیخواه و آرمان خواه** ایران که با تحریم همه جانبه توانستند فریاد مخالفت خود را با حکومت اسلامی به گوش جهانیان برسانند سپاسگزاری می کند، سپس باید بگوییم در شرایط سرنوشت ساز کنونی که **پایان عمر حکومت اسلامی فرا رسیده است**، جنبش براندازی نیاز بیشتری به حمایت شما مردم قهرمان ایرانزمین از این جنبش دارد با همگامی شما در داخل ایران و هماهنگی **سازمان پارس و شورای براندازی** می توانیم این دزدان و جنایتکاران ضد ایران و ایرانی را به زباله دان تاریخ بفرستیم و آنگاه ایران **آزاد، آباد و سرافراز** را فراچنگ خواهیم آورد.

مهر ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

سناریوی جنگی و استمرار حکومت اسلامی



بیش از یک ربع قرن از یورش **احشام مذهبی نما** به ایران با کمک **امریکا، انگلیس** و **اروپا** می گذرد و ما شاهد فنا شدن روز بروز اوضاع سیاسی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی مردم ایران هستیم. پیرو این روند ویرانگر، اوضاع منطقه هم، هر روز از روز گذشته **متشنج تر** و بی ثبات تر گردیده است و دلیل آن پروژه های سیاسی - اقتصادی - نظامی ابلهانه **کارگزاران بین المللی** است که جنگ و ویرانی و ناامنی را برای مردم بیگناه منطقه به ارمغان آورده است و برای بدست آوردن **یک بشکه نفت** بیشتر، از هیچ جنایت و خونریزی و بی عدالتی رویگردان نیستند و در انتها به گفته خودشان حقوق بشر را هم رعایت می کنند!

امریکا، انگلیس، اروپا و اسرائیل همواره از **حکومت تروریستی و جنایتکار در ایران** حمایت کرده اند. **استعمار سیاه** برای استمرار حکومت دزد و جانی خود از هیچ جنایتی بر ملت شریف ایرانزمین دریغ نمود. در این روند در ظاهر این **کارگزاران بین المللی** با تبلیغات دروغین خود وانمود می کنند که آنها دشمن حکومت اسلامی تروریست پرور هستند، ولی اینطور نیست. در حقیقت این **کارگزاران بین المللی** با تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم همواره **حامی حکومت و ستون پنجم** آن بوده اند که ما آنها را اپوزیسیون غیرواقعی قلمداد کرده ایم (مجاهدین خلق، سلطنت طلبهای پهلوی چی، اکثریتی ها، ملیون وابسته به حکومت)، **کارگزاران بین المللی** در این بین فریاد حق طلبانه **میهن پرستان** را در **گلو خفه** کرده اند.

نبرد با اهریمن

در هنگام یورش احشام ضد ایرانی (حکومت اسلامی) به ایران، شرکت نفت **امریکایی Exxon** برای سرنگونی شاه سرمایه گذاری کرد و هم اکنون روزانه به تعداد ۳۰۰ هزار بشکه نفت تقریباً **مجانی** از ایران خارج می کند. در این میان **انگلیس** هم روزانه **یک میلیون و دویست هزار** بشکه نفت **مجانی** از خلیج فارس خارج می کند که این را بابت حمایت و نیز هماهنگی دیپلماسی حکومت اسلامی در دنیا دریافت می کند. البته باید گفت که **حکومت دست نشانده اسلامی در ایران** همواره به صورت یک حکومت کاذب بوده است و این کارگزاران و عوامل و عناصر بین المللی بوده اند که ایران را بمدت بیست و هشت سال اداره کرده اند. این شمای کاذب حکومتی، توسط **فراماسونری، صهیونیسم و اخوان المسلمین** امریکایی - انگلیسی اداره شده است و می شود.

در حال حاضر، **حکومت اسلامی ایران** به فرمان **امریکا** و شرکا، **مرکز تروریستی** دنیا را اداره می کند و از زمانی که **بوش** بر سر کار آمده است این همکاری طیف وسیعتری به خود گرفته است و در این راستا بود که حکومت اسلامی در ایران با همکاری **بوش و القاعده** برجهای **نیویورک** را منهدم کرد، و در پی آن **بوش** و شرکا توانستند با خیال راحت و با آمادگی افکار مردم جهان پای خود را در منطقه بیشتر و بیشتر محکم کنند.

اسنادی که از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی بدست **نیوزویک** رسیده است، بر آن دلالت دارد که **هشت** ماه پیش از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر **رمزی الشیب** تروریست ارشد **القاعده** ویزایی چهار هفته ای برای دیدار از تروریستهای مستقر در ایران در دست داشته است و همچنین گزارشهای **نهایی کمیسیون یازده سپتامبر** حاوی اطلاعات مهمی درباره ارتباط مستقیم **ملایان** در ایران با عملیات **القاعده** می باشد. البته بر طبق اسناد و مدارک بدست آمده رابطه ای بسیار عمیق و درازمدت مابین **فامیل بن لادن و بوش** وجود داشته است. برای مثال شرکت ساختمان سازی موسوم به **گروه سعودی بن لادن** به وسیله بانک **C.T. Group** و شرکت های گلدن ساکر و مریل لینچ که از جمله بانک و شرکتهای امریکایی هستند، مورد حمایت مالی قرار می گرفت. در اواسط دهه نود، **خانواده بن لادن** به همراه عناصری از **خانواده آل سعود** در فعالیت های تجاری با **جمز بیکر وزیر خارجه امریکا** در دولت جرج بوش پدر شریک شدند و در اصل شرکتهای سعودی که در امریکا فعالیت می کنند متعلق به **خانواده بن لادن** است و همه فامیل از جمله **عبدالله** برادر کوچک اسامه بن لادن در سال ۹۴ از **هاروارد** در رشته حقوق فارغ التحصیل شده است و اکنون در ایالت ماساچوست امریکا دفتر وکالت دارد. ما می دانیم که **اسامه بن لادن** همواره با سیا همکاری کرده است و می کند و به همین دلیل بعد از حملات ۱۱ سپتامبر در **همانروز ۱۴ تن از خانواده بن لادن با کمک عوامل بوش از امریکا خارج می شوند.**

حال در مورد رابطه **بوش** با **رفسنجانی** باید گفت که بوش پدر همواره از رفسنجانی حمایت کرده است و روابط پشت پرده امریکا و حکومت اسلامی بسیار مستحکم است و این هماهنگی توسط **رفسنجانی** و شرکتهای غیردولتی او و تیمهای خودی اداره می شوند و چنان پایگاهی با **حمایت بوش** و شرکا در امریکا بوجود آورده اند که تقریباً تمامی **اپوزیسیون حکومت اسلامی** به دست آنها اداره می شود. رفسنجانی و شرکا تقریباً همه رادیو و تلویزیونها و مراکز تجاری که نام اپوزیسیون به خود گرفته اند را اداره می کنند، اکثر **سلطنت طلبهای پهلوی چی**، **مجاهدین خلق**، اکثریت ها و **ملیون مذهبی و غیرمذهبی** تحت اداره مستقیم و غیرمستقیم او می باشند و به این روش بود که **اپوزیسیون منفی** یعنی **ستون پنجم حکومت اسلامی** به کمک **امریکا و رفسنجانی** بوجود آمد، و با همیاری و کمک به یکدیگر توانسته اند مبارزه مردم ایران را برای دست یابی به **آزادی، آبادی و غرور و افتخار**، به بیراهه بکشانند، و **براندازی حکومت** به مرحله اجرا در نیاید و ثبات منطقه نیز با وجود حکومت اسلامی تأمین نگردد تا بوش و شرکا بتوانند به بهانه عدم امنیت و ثبات در منطقه نیروهای خود را برای **سرکوب میهن پرستان** و ایجاد استعمار مستقیم بر ملتهای منطقه در آنجا مستقر سازند. در نتیجه اگر بوش بر سر قدرت بماند منطقه همواره در جنگ و ستیز و ناامنی باقی خواهد ماند و لازمه آن هم وجود حکومت اسلامی است که او نیز به کمک بوش و شرکا باقی خواهد ماند.

خطاب من به آن دسته از ناآگاهانی است که می گویند امریکا باید به ایران حمله کند تا حکومت اسلامی نابود گردد و همچنین به آن **کوتاه** فکرانی که خود را **اپوزیسیون** می نامند و از امریکا می خواهند که با **حمله نظامی** خود ایران را از شر آخوندها نجات دهد. باید بگویم که **ابلهانه می اندیشند** و ضدمیهنی عمل می کنند چرا که بارها گفته ام که ورود ارتش بیگانه در ایران باعث ناامنی و **جنگ داخلی** و در انتها منجر به **تجزیه** ایران خواهد شد، و در این رابطه است که **سازمان پارس و شورای براندازی** با هرگونه حمله نظامی خارجی به کشور ایران مقابله خواهد کرد، چرا که **استقلال و تمامیت ارضی و امنیت جانی** ملت ایران در سرلوحه مبارزات ما قرار دارد.

سازمان پارس و شورای براندازی با همیاری ملت ایران می بایست حکومت احشام در ایران را منهدم سازد تا بتوان پایه های **دمکراسی، آزادی و استقلال و تمامیت ارضی** را در **میهن اهورایی** خود مستحکم نمود.

اکنون به این نتیجه رسیده ایم که مرکز شر دنیا فامیل **بوش** است که با همکاری نزدیک با **محور شری** که خود او بیان کرد یعنی **حکومت اسلامی** در ایران منطقه را به خاک و خون کشیده است و ناامنی را در منطقه و دنیا دامن زده است. او با همکاری محور شر توانست **استعمار غیرمستقیم** را به **استعمار نظامی مستقیم** در منطقه تبدیل کند. او خود تروریست

نبرد با اهریمن

است. او حامی و **بوجود آورنده تروریست** است. تروریست کسی است که از ترساندن و به وحشت درآوردن جامعه برای اهداف سیاسی - اقتصادی خود بهره گیری می کند و این نیز اصولاً یا با تهدید و یا با شکنجه و بمب گذاری و کشتار بیگناهان صورت می گیرد. **بوش** از تروریسم مذهبی بعنوان **ابزاری** برای **استعمار مذهبی** منطقه بهره گیری کرده است و می کند و استراتژی او جنگ افزاری و بحران در منطقه برای منافع اقتصادی بوش و شرکا می باشد. اکنون **همکاری** تنگاتنگ **مرکز شر** (بوش و شرکا) با **محور شر** یعنی **حکومت دست نشانده اسلامی** در ایران برای به آتش کشیدن و ویرانی منطقه و کشتار انسانها برای منافع اقتصادی می باشد.

ما در مورد روابط اقتصادی با دنیا به یک جهانی شدن اقتصاد و یک جهانی شدن شرایط زیست ملتها باور داریم و برای رسیدن به آن مبارزه خواهیم کرد. آقای **جورج واکر بوش** که بی گمان خود **مرکز تمام اشرار بین المللی** است، با داشتن رابطه مستقیم و غیرمستقیم با حکومتهای تروریستی از جمله حکومت اسلامی در ایران که خود و **پدرش** بوجود آورنده آنند، **حامی اصلی تروریسم است.**

مهر ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

حمله نظامی به ایران

سازمان پارس و شورای براندازی هرگونه حمله نظامی به ایران را **محکوم** می کند :

-- حمله نظامی به ایران به هرشکلی که باشد به نفع ملت ایران نخواهد بود.

-- پس از **سرنگونی رژیم** گذشته توسط امریکا، انگلیس و اروپا برای برقراری حکومت تروریستی اسلامی در ایران، سیاستهای بین المللی همواره با ایجاد بحرانهای داخلی و خارجی در ایران باعث استمرار این حکومت جنایت و خیانت برعلیه مردم ایران بوده اند.

-- تجربه ثابت کرده است که حمله نظامی به ایران به دو روش امکان پذیراست، که در هرصورت برضد و مخالف منافع و حقوق و امنیت ملت ایران خواهدبود.

-- **نخست حمله نظامی برای تسخیر ایران و سرنگونی حکومت ملایان**، این عملکرد باعث ویرانی شهرها و کشتار مردم بی گناه و همچنین ایجاد ناامنی و جنگ داخلی در ایران و در کل رسیدن به شرایط کنونی کشورعراق خواهد بود و در انتها منجر به **تجزیه** ایران می شود.

-- **دوم حمله نظامی برای استمرار حکومت اسلامی**، در این صورت استعمارگران غربی با **بمباران** کردن تعدادی از مراکز صنعتی و استراتژیک ایران و جنگ و گریز در مرزهای ایران در پی ایجاد فضای بحرانی و جنگی در ایران خواهد بود، تا **حکومت اسلامی** دست نشانده او بتواند راحت تر به از بین بردن **مخالفان** خود ادامه دهد و جهان غرب و شرق هم بتوانند به چپاول ثروت و سرمایه ملی ایران ادامه دهند.

همان گونه که در طی این ۲۹ سال از حیات کثیف **حکومت اسلامی**، دیده می شود، ایجاد بحرانهای **داخلی و خارجی** این حکومت دستاربنند با حمایت **کارگزاران بین المللی** از جمله **امریکا، انگلیس و فرانسه** باعث استمرار این حکومت دزد، تروریست و جانی بوده است و همواره ملت بیچاره ما به امید نابودی این ضد ایرانیان بوده است و **کارگزاران بین المللی** به این امید مردم را در شرایط خنثی نگاه داشته اند.

ما به این کارگزاران ناآگاه سیاست بین المللی برای چندمین بار تأکید می کنیم که از افزایش **بحران** در ایران و منطقه دست بردارند و در **دیپلماسی** برای استمرار حکومت اسلامی و **استعمار منفی** خود در منطقه تجدیدنظر کنند و از راههای مثبت و مردمی برای هم تراز کردن اقتصاد جهان بهره گیرند و صلح و آرامش را به منطقه بازگردانند، در این راستا روز گذشته وزیر امور خارجه فرانسه **برنارد کوشنر** برای اولین بار از جانب فرانسه اعلام جنگ به **ملایان تروریست حاکم** بر ایران می نماید، البته نخست امیدواریم که **دیپلماسی فرانسه** نسبت به حکومت

اسلامی تغییر یافته باشد و نه اینکه در پی ایجاد بحران تبلیغاتی و یا ایجاد فضای جنگی در ایران برای استمرار حکومت ملایان جانی، دزد و ضد ایران و ایرانی باشد. در این رابطه :

۱- تا هنگامی که **تروریست دولتی حکومت اسلامی** در ایران نابود نگردد، صلح و آرامش به جهان بر نخواهد گشت.

۲- ما هر گونه **تجاوز نیروهای نظامی ارتش آمریکا**، انگلستان و متحدان آن را برای تبدیل استعمار غیر مستقیم به استعمار مستقیم و تجزیه کشورمان با همراهی گروه‌های ضد ملی ایران « **مجاهدین خلق - سلطنت طلبان** » را محکوم می‌کنیم.

۳- **براندازی و نابودی حکومت اسلامی** در ایران باید به دست مردم ایران با رهبری میهن پرستان واقعی صورت گیرد و مسئولیت این مهم را **سازمان پارس و شورای براندازی** بر عهده دارد.

خطاب من به آن دسته از نا آگاهانی است که می‌گویند **آمریکا** باید به ایران حمله کند تا **حکومت اسلامی** نابود گردد و همچنین به آن کوته‌فکرانی که خود را **اپوزیسیون** می‌نامند و از آمریکا می‌خواهند که با حمله نظامی خود ایران را از شر آخوندها نجات دهد، باید بگوییم که **ابلهانه می‌اندیشند و ضد میهنی** عمل می‌کنند چرا که بارها اشاره کرده‌ام که ورود ارتش بیگانه در ایران باعث ناامنی و جنگ داخلی و در انتها منجر به تجزیه ایران خواهد شد، و در این رابطه است که سازمان **پارس و شورای براندازی** با هرگونه حمله نظامی خارجی به کشور ایران مقابله خواهد کرد، چرا که استقلال و تمامیت ارضی و امنیت جانی ملت ایران در سرلوحه مبارزات ما قرار دارد. سازمان پارس و شورای براندازی با همیاری ملت ایران می‌بایست **حکومت احشام** در ایران را منهدم سازد تا بتوانیم پایه‌های **دمکراسی، آزادی و استقلال و تمامیت ارضی** را در **میهن اهورایی** خود مستحکم نماییم.

-- ولی اکنون زمان آن رسیده است که مردم ایران با اتکا به نیروی همبستگی و میهن دوستانه خود با هماهنگی و برنامه ریزی **سازمان پارس و شورای براندازی** این حکومت جبار را نابود سازند.

آخرین تیر در تاریکی

بازنگری تاریخ معاصر ایران و خیانت رجال به اصطلاح ایرانی در روند مقاصد شوم استعمارگران بین المللی به خصوص انگلیس، نشان می دهد که شبکه های فراماسونری در ایران از دویست سال قبل که توسط انگلیس در ایران بنیاد نهاده شد چه ضربات هولناکی بر پیکر مام میهن وارد نموده اند و می نمایند. امروز استعمارگران جهانی برای نگاهداری این حکومت فاسد و آدمکش که بیست و نه سال منافع مالی و سیاسی - اقتصادی و همچنین موقعیت استراتژیک آنها را تأمین کرده است و در پیشبرد اهداف ضد انسانی آنها، از هیچ جنایتی رویگردان نبوده است، ترفندی دیگر برای فریب ملت ایران تدارک دیده است. در این روند، استمرار حکومت اسلامی با حمایت فرقه مجاهدین خلق و سلطنت طلب های پهلوی چی می باشد.

هدف استعمار جهانی بحرانی نگاه داشتن منطقه و نابود کردن حرکت های ملی - میهنی است چرا که جنگ و بحران باعث به حرکت درآوردن چرخ های اقتصادی همیشه ورشکسته آنها می باشد و چنین است که استعمار جهانی از حکومت های مذهبی بنیادگرا و تروریست های مذهبی در منطقه حمایت می کند.



هم اکنون استعمارگران جهانی با تشکیل مثلث تاریکی از هاشمی رفسنجانی، فرقه مجاهدین خلق و رضا پهلوی که آنها همه دارای مشاورینی مشترک می باشند و در شبکه های فراماسونری عضویت دارند، آخرین تیر خود را در تاریکی علیه خواست ملت ایران که همان **براندازی و نابودی حکومت دستاربندان ضد ایران و ایرانی** می باشد، رها کردند.

این استعمارگران ناآگاه و ضد ایرانی از مشاورت مزدوران نادان خویش برای تشکیل مثلث تاریکی که ظاهراً متشکل از جمع اضداد می باشد ولی در خیانت به ملت ایران همسو می باشند، بهره گرفتند. سناریو چنین خواهد بود: به زودی تضاد ظاهری مابین حکمرانان پلید اسلامی در ایران شروع خواهد شد و دو دستگی مابین گروه رفسنجانی و به اصطلاح گروه دیگر که تندرو نامیده می شوند بوجود خواهد آمد به این ترتیب که احمدی نژاد همانند دیوی ظاهر می گردد و رفسنجانی (دزد و قاتل) به شکل نجات دهنده ایران. پس از چندی گروههای به اصطلاح اپوزیسیون که مدت بیست و نه سال در استمرار این حکومت نقش اساسی داشته اند و ستون پنجم دشمنان ایران بوده اند، از جمله گروه مسعود رجوی و گروه رضا پهلوی و تعدادی از گروهک های به اصطلاح ملی و ملی مذهبی با ایجاد همبستگی در کنار رفسنجانی قرار می گیرند و روند حکومت جباران اسلامی با ظاهری دیگر ولی محتوایی مملو از ظلم و ستم، دزدی و جنایت ادامه می یابد و عوامل اپوزیسیون ستون پنجمی، پست هایی را در دولت آینده اشغال خواهند کرد.

تصور دشمنان ایرانزمین بر این است که همانند پروژه های قبلی مرحله اول (رفسنجانی) و مرحله دوم (خاتمی) که مردم ایران را توانستند فریب دهند و به بیراهه بکشانند، اکنون نیز می توانند با این پروژه و دسیسه نوین، جنبش و مبارزه مردم ایران را برای براندازی حکومت جبار اسلامی به بیراهه کشانند و حرکت و مبارزه میهن پرستان را خنثی نمایند.

آمریکا، انگلیس، اروپا و اسرائیل در حمایت از این سناریو، توسط رسانه های گروهی استعماری خود در حال آماده ساختن فضای افکاری داخل و خارج ایران می باشند. تبلیغات جنگی برای نگاه داشتن فضایی بحرانی می باشد که در پی آن به علت بالا رفتن بهای نفت، سودهای کلان به کارتل ها و تراست های نفتی سرازیر می شود و در کنار، سناریوی مثلث تاریکی را برای استمرار منافع خود یعنی استمرار حکومت تروریست اسلامی طراحی نموده اند که دستاویزی برای ادامه سیاست های جهانخوارانه ضد انسانی آنان می باشد. در دو هفته گذشته در مونیخ جلسات و مذاکراتی مابین مشاورین رفسنجانی و رضا پهلوی که اغلب آنها مشترکاً مستخدم می باشند صورت گرفت و هماهنگی لازم را در مسیر اجرای پروژه مثلث تاریکی نمودند. ده روز قبل از این جلسه، جلسه ای در لندن در پارلمان انگلیس که در آن مشاورین مجاهدین خلق و رفسنجانی نیز شرکت داشتند صورت می پذیرد و با هماهنگی لردهای انگلیسی، فرقه مجاهدین خلق مسئولیت خود را در سناریوی مثلث تاریکی نیز به عهده گرفتند. در هفته گذشته لردهای انگلیسی و تعدادی از نمایندگان انگلیس در تهران با نمایندگان مجلس و ملایان حکومتی دیدار و مذاکره و هماهنگی

برای اجرای سناریوی **مثلت تاریکی** نمودند. باید متذکر شد که تعدادی از اعضای برگشته مجاهدین خلق که از ابتدا همکاری خود را حکومت اسلامی شروع کرده بودند در این میان از موقعیت خاصی برخوردار خواهند بود.

سناریوی مثلث تاریکی که طراح آن **انگلیس** می باشد و به زودی اجرا می شود، آخرین تیری در تاریکی خواهد بود که بر علیه ملت ایران رها می شود، چرا که اکنون فرزندان ایرانزمین بیدارند و استعمار جهانی نمی تواند همانند دسیسه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بهمن ۵۷ هر نیرنگ و تزویری که علیه منافع میهنمان اتخاذ می کند به اجرا گذارد. اکنون با همیاری **ستاد مشترک براندازی** (شورای براندازی) و **فرزندان پیکارجو و مبارز ایرانزمین** (سربازان پارسی) که علیه همه عناصر و مزدوران ضد ملی - میهنی و **استعمارگران جهانی** بپا خاسته اند، پیروزی نهایی از آن ملت ایران خواهد بود.

آبان ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

حکومت اسلامی، آئینه تمام نمای زشتی ها

حکومت اسلامی در این بیست و نه سال **حیات پلید** خود، چون آئینه تمام نمای **زشتکاران**، زشت رویان، سیه چهرگان، سیه دلان، بداندیشان و به طور کلی **دزدان و خیانتکاران** ضد ایرانی، آنچه تباهای و ویرانی بود بر ما روا داشتند.

از مردم ایران به ویژه نسل **جوان**، انسان هایی **تحقیر** شده، تو سری خورده، **مسخ** شده، بی هویت و بی فردا ساخته اند. با شنیدن اینها هر **میهن پرستی** بی نهایت منقلب گشته و خشمگین می شود و اگر به عمق و ژرفای این فاجعه بیندیشیم و از **خون کورش و داریوش** که در رگ های همه ما جریان دارد مدد بگیریم، تصمیمی به جز **مبارزه و پیکار** علیه **متحجران مذهبی** حاکم در میهن ما و نابودی آنها نخواهیم گرفت و چون **لشگریان پارسی** بر صفوف پلید دشمن یورش خواهیم برد.

در این **برزخ** و منجلاب سرگردانی و تباهی، با داشتن راهنما و مدیر خردمند و دلسوزی چون **دکتر آرمان نوری**، این **لشگر پارسی**، دشمنان را نابود خواهد ساخت. رسالت و وظیفه هر ایرانی **نبرد با استعمارگران داخلی و خارجی** می باشد. در هر نبرد همسویی و اشتراک عملیاتی که از فرمانده ای خردمند و دلسوز سرچشمه می گیرد اساس پیروزی می باشد.

هیچ تفکر و اندیشه ضد ملی، خواه مذهبی و غیر مذهبی نمی تواند در برابر **آرمان ایرانیگرایی** تاب مقاومت آورد. مبارزات **میهن پرستانه** ما ایرانیان، برای آزادی، ریشه در **خون و خاک** و **بستر فرهنگیمان** دارد و اصل امکان هویتی ما، **آرمان بزرگ ایرانی** می باشد. خرد هدایت نیروهای خام و پرورده جامعه به تنگ آمده ایرانی در جهت **مبارزه** ای **واقعی** در پیکاری عظیم علیه **حکومت اسلامی**، تنها در توان **رهبری من**، **دکتر آرمان نوری** یافت می گردد. اکنون در ایران در عرصه هرج و مرج تروریست های اسلامی حاکم، **اینترناسیونالیست های مذهبی** و **ماتریالیست های مزدور استعمار**، در مقابل **ناسیونالیسم و آرمان خواهی ایرانی** جبهه گرفته اند و پیکار عظیم به زودی آغاز می گردد. در این رزم، جوانان میهن پرست به خصوص **دانشجویان** با چنگ و دندان و حس و غریزه طبیعی دفاع از میهن و آرمان ایرانی، بر دشمنان تاخته و آنان را نابود می سازند.

همسنگران اکنون ملت ما در استبداد، زجر و شکنجه، فقر، خفقان و سیه روزی استعمار **مذهبی** غوطه ور است. نوکران و مزدوران **فرومایه** که اهرم های انقلاب بوده اند و باعث استمرار و تحکیم آن شده اند، آنانی که جوانان میهن را قربانی منافع زودگذر مادی خود کرده اند، از بین خواهند رفت. اکنون جوانان ما در این **حکومت متحجر**، ساردین وار در محل هایی به نام کلاس جز **شرعیات** و

اصول و فروع دین چیز دیگری یاد نمی گیرند و به آنچه هم شنیده و به خاطر سپرده می شود اعتقادی ندارند. در دانشگاه ها، قوانین ضد آزادی و ضد انسانی حاکم می باشد و مانع از یادگیری علم و صنعت و دانش که لازمه پیشرفت واقعی در جامعه می باشد می شود. فضای بسته مدارس و دانشگاه ها باعث می شود که جوانان از کشور بگریزند و برای تحصیل علوم و فنون جدید و ادامه زندگی به غرب رو بیاورند و با جو خفقان حاکم بر کشور هرگز به ایران باز نخواهند گشت. هر ماه تعداد زیادی از ایران به قول آخوندها «مدینه فاضله»، فرار می کنند. در ایران این میراث خوران انقلاب جهنمی با زور سرنیزه موجوداتی که پاسدار و بسیجی و حزب الهی نامیده می شوند که تعدادشان هم به بیش از یک میلیون نفر نمی رسد، بر هفتاد و پنج میلیون ایرانی که از آن بیش از شصت و پنج درصد جوانان می باشند، حکومت می کنند.

تا کی ؟

تا زمانی که چرخ های فرسوده و زنگ زده کارخانجاتی که به ده برابر قیمت روز به ایران وارد شده از کار بیافتند و صدها هزار کارگر دیگر بیکار شوند و کارفرماهای بیرحم آنها حقوق آنها را به حساب های خارج خود سرازیر کنند و به خارج بگریزند؟ و یا زمانی که دیگر نتوانیم بهای گندم و برنج وارداتی را که هر روز بیشتر می گردد، بپردازیم و فرزندان میهن گرسنه بمانند؟ و یا آن زمانی که از فرط فقر و بینوایی اکثر فرزندان میهن رو به اعتیاد و تن فروشی بیاورند؟

چنانکه می بینیم استعمارگران غارتگر اروپایی و آمریکایی خواسته اند ایران کاملاً به یک مملکت فقیر، عقب افتاده و متحجر تبدیل شود و بدون توسعه در تولید، به مصرف کننده ای عاجز تبدیل شود. همسنگران عزیز من نمی خواستم و نمی خواهم با بیان این حقایق، نمک بر زخم های التیام ناپذیر جامعه ای بپاشم که به جرم داشتن سرزمین پرگهر و زرخیز با مردمی اندیشمند محکوم به فناست و مردم آن ناچارند با شکم گرسنه بخوابند و با خفت و خواری و بی شرمی زندگی کنند.

ملت ما گرفتار امراض مزمن و مهلک بی شماری می باشند و اکنون مشرف به مرگ هستند، ولی همسنگران، در کنار من دکتر آرمان نوری، ما بر عوامل بدبختی و تباهی میهنمان غلبه خواهیم نمود. علاج این بیماری و نجات این بیمار به دست سازمان پارس و شورای براندازی میسر می باشد. بیاییم با آرمان بزرگ میهنی همسنگر شویم و سرزمین خویش را از چنگ امراض بزرگی چون حکومت اسلامی، ستون پنجم حکومتی در اپوزیسیون و حامیان بیگانه آنها یعنی استعمار جهانی نجات دهیم. همانگونه که بارها گفته ام : «اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، چنان نیروی عظیمی است که ابرقدرت ها در مقابل آن سر فرود خواهند آورد.»

آبان ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

روشنفکران تاریک اندیش

حدود دو قرن طول کشید تا اندیشمندان و دانشمندان در غرب توانستند با مبارزات خونبار و دادن قربانی های بیشمار، به حکومت متحجرانه، خرافاتی و سلطه هولناک کلیسا و طبقه ای که خود را نماینده خدا بر روی زمین می دانستند و توسط آن ضرب و شتم و شکنجه و کشتار را بر مردم روا می داشتند، خاتمه دهند.

ثمرات و نتایج این جدال و ستیز خونین برای رهایی از حکومت مذهب و خرافات، استقرار نظام های دموکراسی و حکومت های مردمی و برقراری عدالت و تأمین آزادی های زبان و قلم پیشرفت های غرب را امکانپذیر ساخت و در جهت جهش علمی و صنعتی ادامه یافت.

از ۱۴۰۰ سال پیش، کشتار ایرانیان و به نابودی کشاندن علم و دانش و فرهنگ پارسیان توسط اعراب و تازیان بیابانگرد و ایجاد نظام های قبیله ای و ملوک الطوایفی و سلطه و نفوذ نمایندگان الله در تمام زمینه های زندگی مردم باعث شده که همواره فقر، جهل و خرافات در جامعه ما حاکم باشد. در ایران هرچند که در مقاطع تاریخی متعدد رهبرانی میهن پرست، آگاه، دلسوز و بافضیلت با نبرد با اهریمن مذهبی و دشمنان قسم خورده ایرانزمین، پیروزی دوره ای یافتند ولی هرگز نتوانستند ریشه جهل و خرافات را در میهن اهورایی مان بخشکانند. نفوذ و سلطه هولناک ۱۴۰۰ ساله طبقه مرده خور و دستاربنده که خود را نماینده الله معرفی می کنند، بر حیات مردم از روز تولد تا پایان زندگی فرمانروایی می نمایند و برای ادامه حکومت و سلطه خویش تمام نهضت ها و جنبش های ملی - میهنی و مترقی و همچنین افراد آزاداندیش، نیک اندیش و دلسوز برای میهن را با نهایت بیرحمی سلاخی نمودند، ولی هر درختی که بریده می شود، نهالی پایدارتر و استوارتر برای مقابله با تاریک اندیشان سیه دل در سرزمین ما می روید. مبارزه و قیام میهن پرستان علیه جهل و خرافات دستاربندها که با یک فتوا هر حرامی را حلال می سازند و خود را رابط بین الله و امت و کلیددار بهشت و جهنم معرفی می نمایند، همواره از ۱۴۰۰ سال پیش رایج بوده است.

از حمله اعراب تاکنون متأسفانه تعداد بیشماری از مسئولان مملکت و پادشاهان، این مبارزه علیه جهل و خرافات آخوندی را فکری محال تلقی می کردند و با بی کیاستی، آب به آسیاب دشمنان فرهنگ و تاریخ و سرافرازی ایرانزمین ریختند و در این روند موضوع دخالت مذهب در حکومت و تقدیس و ستایش رهبران دینی و به اصطلاح علما و سخنگویان مذهبی را وظیفه ای واجب و تردیدناپذیر می انگاشتند و نه تنها مردم عادی و سیه بخت و بیچاره، بلکه

طبقه ممتاز و اعیان و اشراف و حتی پادشاهان نیز خود را ملزم و موظف و حتی معتقد و متعهد به اجرای احکام شرع و نظرات طبقه به اصطلاح روحانی می داشتند، از جمله زمان پادشاهان صفوی و قاجار که در تثبیت قدرت دستاربندها در **قانون اساسی مشروطه پادشاهی** در زمان مظفردالدین شاه و ادامه اجرای آن در زمان **رضاشاه** و **محمد رضاشاه** و همچنین **حج سه باره محمد رضا شاه** و ساختن تعداد بیشمار مساجد در زمان او نمایانگر این می باشد که آنان چگونه در روند انتشار جهل و خرافات با دستاربندها همراهی نمودند. هم اکنون نیز فرزند محمد رضا شاه (رضا) در **همیاری با حکومت اسلامی** بارها گفته است که با روند اسلامی و اسلامیون مشکلی ندارد و همواره از عوامل حکومت اسلامی حمایت نموده و هرگاه آخوندی در ایران به درک واصل می شود، او اعلامیه سوگواری ابلاغ می دارد.

تحولات عظیم و فراگیر علمی و صنعتی و اجتماعی کشورها غربی و روند توسعه روزافزون و برق آسای اندیشه های مدرن و به پیش رفتن کشورهای غربی، زمان صورتی گرفت که از جهل و خرافات کلیساها خارج شدند ولی در همان زمان در شرق، جهل و خرافات مذهبی باعث شد که نه تنها به پیش نرفتند بلکه به عقب نیز برگشتند. سم و زهر جهل و خرافات مذهبیون و روحانیون تندروی قلابی، چنان در کالبد و نهاد وجودی مردم ما نفوذ نموده است که حتی راه یافتن هزاران نفر از فرزندان ایرانی در دانشگاه های غربی و دانشگاه های داخلی و قرار گرفتن بر روی همان نیمکت هایی که دانشجویان غربی، نتوانست گریه از مشکلات فراوان جامعه سیه بخت ما بگشاید و تأثیر جهل و خرافات مذهبی بر آنها را خنثی نماید. عجب اینکه همین دانشجویان، نهضت های مذهب گرایانه را به اسم آزادیخواهی بوجود آورده اند و عده ای نیز در نیرنگ با اندیشه مترقی مارکسیست های اسلامی را بوجود آوردند که در هر دو جریان، استمرار جهل و خرافات در جامعه تثبیت می گشت. آنان فرزندان ناخلف و فریب خورده و مسخ شده ایران با دشمنان میهنی اهورایی مان همداستان شدند و در مسیر نابودی فرهنگ و تاریخ و سرافرازی سرزمین ما از هر خیانتی علیه ایران کوتاهی ننمودند.

اینان بودند که در فاجعه ۵۷ با عوامل و عناصر استعماری بیگانه باعث سیه روزی و سرافکندگی مردم ایران و به قدرت رسیدن دستاربندها ضد ایران و ایرانی شدند. در آن زمان، عجیب تر و اندوهبارتر اینکه حتی رهبران و ایدئولوگ ها و متفکرین حزب کمونیست توده (انگلیسی - روسی) از جمله نورالدین کیانوری که در آلمان پس از جنگ دوم و استعفای رضا شاه، تز دکترای خود را در ستایش از خدمات وی نوشته است و سپس به مسئولیت تشکیل حزب توده مأمور می شود، از حمایت دشمنان ایرانزمین (انگلیس و روس) برخوردار می شوند. کیانوری با اینکه مذهب را افیون جامعه و بشر می دانست و از طرفی اربابان روسی او تمام کلیساها و مراکز مذهبی را مهر و موم کرده بودند، معهذاً با ملایان ضد ایرانی برای نابودی

نبرد با اهریمن

میهنمان همداستان شد و در روند استقرار حکومت جهل و خرافات اسلامی گوی سبقت را از ملایان ربود.

ملایان و گروه به اصطلاح مذهبی - ملی و مارکسیست های اسلامی و همچنین کمونیست های توده ای و عجباً عده ای به نام ملی گرا و میهن دوست و نیز طرفداران سلطنت به دلیل مزدوری و وابستگی به استعمارگران بیگانه در این مدت ۲۹ سال ضربات عظیمی بر پیکر مام میهن وارد آورده اند که جز نابودی آنان در کنار ملایان حاکم بر ایران برای نجات میهن چاره ای نیست.

مبارزان میهن پرست ایرانی، زمان رزم فرا رسیده است، میان ما میهن پرستان و حکومت ننگین ملایان دریایی از خون خروشان که در آن جنازه های مبارزان میهن پرست شناور است قرار دارد. میهن پرستانی که خون پاکشان در راه سرافرازی میهنشان ریخته شده است، جانباختگانی که برای نجات میهنمان از چنگال اهریمن و دستاربندان بیرحم به هلاکت رسیده اند را چه کسی جوابگو خواهد بود؟ جوابگو مزدوران و خائنین در حکومت مزدور اسلامی و همه سرسپردگان و وابستگان آنان می باشند، جوابگو مزدوران خائن ستون پنجم آنان در اپوزیسیون می باشند. ما دانشجویان مبارز راه آزادی و سرافرازی ایران تا نابودی حکومت خائن اسلامی و یکایک مزدوران وابسته به آن دست از مبارزه بر نخواهیم داشت

آرش

آبان ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

دریای خزر و رژیم حقوقی ایران

در سال ۱۹۲۱ شوروی قراردادی با دولت وقت ایران امضا کرد و در آن ضمن لغو مواد تجاوزکارانه قرارداد ۱۸۲۸ **ترکمنچای** نسبت به ایران از **حق مشترک و مساوی** در دریای خزر سخن به میان آورده می شود. در قرارداد ۱۹۴۰ که در سال دوم جنگ جهانی دوم میان **تهران** و **مسکو** به امضا رسید، دو کشور **حق مساوی در دریای خزر** را مورد تأیید مجدد قرار دادند. در زمان **فروپاشی شوروی** و تشکیل **فدراسیون روسیه** و **جمهوری** های تازه به دوران رسیده **ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان** در منطقه دریای خزر، قراردادی بین المللی مابین **این کشورها و روسیه** به امضا رسید که در آن ذکر شده بود که این کشورها **تمام تعهدات** بین المللی کشور شوروی پیشین را مورد **قبول** و اجرا قرار می دهند.

دیپلماسی نارسای **حکومت مزدور اسلامی** تاکنون صدمات جبران ناپذیری به آبرو و حیثیت و **منافع ملی** ملت ایران وارد آورده است. یکی از این موارد منافع ملی ایران در منطقه دریای خزر می باشد. پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای جدید در منطقه دریای خزر، **تجاوز** به حق و حقوق ایران در این دریا شروع شد و به دلیل **ضعف** و قادر نبودن **حکومت اسلامی** در دفاع از منافع ملی ایران، همچنان ادامه دارد.

پس از فروپاشی **روسیه** و در **روند یک جهانی شدن دیپلماسی** و سیاست اقتصادی، استعمار جهانی تصمیم به ترسیم **نظام ژئوپلیتیکی جدید** در منطقه دریای خزر گرفت چرا که **دومین منطقه اصلی** تأمین کننده **انرژی** جهان در قرن بیست و یکم می باشد، لذا در روند این سیاست، **کارتل** ها و **تراست** های بین المللی نفتی و گازی برای بهره برداری از دریای خزر به این منطقه هجوم آوردند. این شرکت ها در دهه ۱۹۹۰ بی اعتنا به **مالکیت قانونی ایران** که طبق قراردادهای ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ که حدوداً از حق **۵۰ درصدی** در دریای خزر برخوردار می باشد، قراردادهایی را با جمهوری های تازه به استقلال رسیده منطقه خزر، مانند **قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان** امضا می کنند و با کسب امتیاز از آنها عملیات اکتشافی را آغاز می نمایند.

پس از **فروپاشی شوروی** در سال ۱۹۸۹ و شکل گیری **روند یک جهانی** شدن و ساختار استراتژیک جدید **پیمان ناتو**، روسیه به عنوان کشور وابسته به ناتو موسوم به « مشارکت برای صلح (PEP) Partnership for Peace » مسئولیت خود را در روند یک جهانی به عهده می گیرد و خود را پرچمدار دفاع از منطقه خزر معرفی می نماید. پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ روسیه عملاً وارد

نبرد با اهریمن

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می شود و از اواخر ماه مه ۲۰۰۲ اتحاد روسیه با ناتو رسمیت می یابد.

در بیانیه آلمانی در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، که توسط همه کشورهای تازه استقلال یافته و مشترک المنافع شوروی امضاء شد، احترام به کلیه تعهدات بین المللی شوروی سابق را تضمین کردند. در اکتبر ۱۹۹۳ یک کنفرانس منطقه ای با شرکت چهار کشور روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان تشکیل شد که هدف آن در زمینه موضع گیری مشترک در روند موضع گیری رژیم حقوقی دریای خزر و محیط زیست بود. روسیه در سال ۱۹۹۶ راه حل دیگری را پیشنهاد داد که به موجب آن هر کشور منطقه در حوزه های نفتی واقع در محدوده ۴۵ مایلی از خط کرانه خود حاکمیت انحصاری خواهد داشت. پس از آن در بهار ۲۰۰۱ اعلام شد که روسیه تفاهم نامه ای را با قزاقستان و جمهوری آذربایجان امضا کرده است که به موجب آن اصل تقسیم دریای خزر میان کشورهای کرانه ای مورد تأیید قرار دارد.

روسیه در سال ۲۰۰۲ پس از اجلاس بی حاصل سران خزر در عشق آباد رسماً تهدید کرد که بخش شمالی خزر را میان خود و همسایگان قزاق و آذری خود تقسیم خواهد کرد و به یک رژیم حقوقی سه جانبه برای نیمه شمالی خزر اکتفا خواهد نمود. البته باید متذکر شد که نامیدن دریا و یا دریاچه به خزر از لحاظ قراردادهای بین المللی رژیم حقوقی آن را نسبت به کشورهای محیط و حقوق بین المللی سایر کشورها در آن تغییر می دهد. در این صورت است که باکو پافشاری دارد که دریای خزر را باید یک دریای آزاد تلقی کرد و به این دلیل مفاد ماده ۱۲۲ کنوانسیون سال ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در مورد دریاها مورد اجرا قرار گیرد. این ماده، دریا را یک محدوده آبی می داند که از راه یک تنگه یا باریکه آب به اقیانوس و دریای آزاد دیگری متصل نماید. بر پایه این تعریف باکو با تعیین ۱۰ تا ۴۵ مایل منطقه اقتصادی انحصاری برای هر یک از کشورهای کرانه ای موافق نیست و بلکه خواهان تقسیم همه دریا می باشد. روسیه نیز با قابل اجرا بودن ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها در مورد دریای خزر مخالف است. وی -گیزاتف وزیر خارجه قزاقستان در سال ۱۹۹۵ مدعی شد پیمان های همکاری و دوستی سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان شوروی پیشین و ایران که آبهای دریای خزر را میان دو کشور تقسیم کرده است، بی پایه و اساس می باشد چرا که طبق این دو قرارداد استفاده مساوی دو کشور از دریای خزر ذکر شده است با این حال قزاقستان از پیشنهاد روسیه در زمینه حل مسئله رژیم حقوقی دریای خزر پشتیبانی کرده است و اعلام می دارد که ادامه اختلاف نظر در مورد مسئله رژیم حقوقی دریای خزر نباید مانع از توسعه سریع منطقه و بهره برداری از منابع آن از جمله اجرای پروژه های نفتی در آبهای پیوسته به کرانه ها شود.

دیدگاه حکومت اسلامی و تعدیل خواسته های ملت ایران در مورد حق و حقوق ایران

در دریای خزر و قبول اصل تقسیم دریا، نوعی تقسیم پیشکرانه ها در دریای خزر باعث شد که روسیه و حکومت اسلامی بنیانه مشترکی در تاریخ یکشنبه ۹ ژوئیه ۱۹۹۸ از سوی معاونان وزارت خارجه حکومت اسلامی و روسیه صادر شود و در این بنیانه ذکر شد تا هنگامیکه یک رژیم حقوقی تازه و توافق شده از سوی همگان برای دریای خزر پدید نیاید، رژیم حقوقی «استفاده مشاع» نافذ خواهد بود. یکی از دلایل حکومت اسلامی در ترجیح رژیم حقوقی «استفاده مشاع» از دریای خزر این است که این ترتیبات امکان باقی ماندن پنج کشور خزر در همسایگی جغرافیای بلاواسطه هم را فراهم ساخت. البته حکومت اسلامی خواهان تقسیم دریای خزر به ۵ سهم ۲۰ درصدی می باشد. از سوی دیگر پس از اجلاس ۲۰۰۲ سران خزر در عشق آباد، حکومت اسلامی اعلام کرد که قصد دارد عملیات اکتشاف و استخراج نفت در دریای خزر را آغاز کند ولی تاکنون این پروژه عملی نشده است.

در این گیر و دار، آمریکا ادعا دارد که در این منطقه حقوق و منافع اقتصادی دارد، به همین دلیل شرکت های غیر دولتی (وابسته به دولت) آمریکایی و انگلیسی در عملیات اکتشاف، استخراج و صدور نفت و گاز منطقه سرمایه گذاری سنگینی کرده اند از همان آغاز با موضع روسیه مخالف بوده اند و از مواضع جمهوری آذربایجان پشتیبانی کرده اند. وزارت امور خارجه آمریکا در گزارشی درباره دریای خزر اعلام کرده است که: تقسیم کف دریا به مناطق انحصاری ملی موجب شکوفایی توسعه در منطقه خواهد شد، حال آنکه «استفاده مشاع» توسعه را به تأخیر خواهد افکند. بهره برداری از منابع در مالکیت مشترک، فرایندی است کند و دشوار برای رسیدن به توافق در هر زمینه ای با ۵ کشور منطقه. هیچ شیوه ای برای واقعیت بخشیدن به یک منطقه «مشاع» نمی شناسیم که از دید مسائل مالی بین المللی دچار دشواری هایی نشود. بر این باوریم که مختار بودن یک کشور کرانه ای به وتو کردن یا جلوگیری از برنامه های کشور کرانه ای دیگر در زمینه بهره برداری از منافع واقع شده در آبهای پیوسته به کرانه هایش، کار توسعه منابع دریا را فلج خواهد کرد. کشورهای کرانه ای نیازمند آنند که منابع خود را در سطح دریا و در زیر آب آن حمل و نقل کنند.

در حال حاضر پنج پروژه برای بحث پیرامون رژیم حقوقی دریای خزر وجود دارد :

۱- تعیین محدوده ای به گستره ۴۰ تا ۴۵ مایل در درازای خط کرانه ای هر کشور به عنوان منطقه اقتصادی انحصاری آن کشور، آن گونه که مقررات بین المللی مربوط به دریاها تکلیف می کند، یعنی تقسیم دریا بر اساس ادامه مرزهای خشکی در دریا تا ژرفای ۴۰ یا ۴۵ مایل از کرانه ها. اعلام بدنه آبهای باقی مانده در بخش میانی دریا به عنوان منطقه «بهره برداری مشاع» که ۵ کشور کرانه ای در استفاده از آن به منظورهای بازرگانی دریایی، کشتیرانی و دیگر فعالیت های دریایی از حقوق مساوی برخوردار باشند. این منطقه میانی مشاع می تواند به هر یک از

نبرد با اهریمن

کشورهای کرانه ای امکان دهد تا با ۴ کشور دیگر خزر همسایگی جغرافیایی داشته باشد. تقسیم کف این بخش میانی مشاع بر اساس ادامه مرزهای خشکی به سوی دریا آنگونه که در میانه دریا به نقطه یا خط مشترک می رسند. چنین تقسیمی در حقیقت ادامه تقسیم مناطق اقتصادی انحصاری کشورها در ژرفای ۴۰ تا ۴۵ مایل است و منابع زیر کف دریا در بخش مشاع شده را میان کشورهای کرانه ای تقسیم می کند. استدلال این پروژه این است که بخش مشاع شده میانی دریا به ۵ کشور امکان می دهد که در همسایگی جغرافیایی هم باقی بمانند. در همسایگی هم ماندن ۵ کشور دریای خزر برای حفظ محیط زیست، حفظ امنیت، سر و سامان دادن به وضع کشتیرانی و شیلات و نظارت بهره برداری دیگر ملل در این دریا نیازمند همکاری های جمعی و مستقیم همسایگان در خزر است و به قول حکومت اسلامی به دلیل عملی نبودن تقسیم دریا به پنج سهم مساوی، این تنها فرمولی است که می تواند ۲۰ درصد دریا را نصیب ایران کند.

۲- خط فرضی آستارا - حسینقلی که مورد ادعای جمهوری آذربایجان می باشد به هیچ عنوان قابل قبول نیست چرا که در همه کشورهای خط فرضی بین دو نقطه مرزی که فقط از دریا عبور کند وجود ندارد.

۳- تقسیم دریا بنا بر خط فرضی بین دو نقطه مرزی برای هر کشور مجاور دریا بر طبق قوانین بین المللی.

۴- تقسیم دریا به پنج قسمت مساوی.

۵- پروژه سازمان پارس برای رژیم حقوقی دریای خزر با توجه به استقلال کشورهای جدید حاشیه دریای خزر، به صورت زیر می باشد : تقسیم دریای خزر به دو نیمه شمالی و جنوبی، نیمه جنوبی متعلق به ایران می باشد منهای ۴۵ مایل در امتداد مرز خشکی کشورهای آذربایجان و ترکمنستان. مسئولیت امنیتی آبهای نیمه جنوبی دریای خزر به عهده ایران می باشد. کشورهای حاشیه ای دریای خزر حق کشتیرانی و عبور و مرور در آبهای ایران را تنها با اجازه دولت ایران خواهند داشت.

ما اجازه نخواهیم داد که حکومت اسلامی از حق و حقوق قانونی کشور ایران در دریای خزر چشم پوشی کند و برای کسب حمایت روسیه و دیگر کشورهای منطقه، سرمایه و ثروت ملی ما را به آنان پیشکش نماید و دشمنان ایرانزمین و استعمار جهانی بدانند که میهن پرستان ایرانی بیدارند و دسیسه های آنان را علیه منافع ملی ایران نقش بر آب خواهند کرد و اعلام می داریم که هر نوع قراردادی که مخالف منافع ملت ایران در زمان حکومت پلید اسلامی منعقد گردد از نظر ما ارزش قانونی نخواهد داشت.



۱

خط مرزی دریایی ایران در صورت تقسیم دریا بر اساس تعیین منطقه انحصاری اقتصادی کشورها در ژرفای ۴۵ مایل مطابق قوانین بین المللی



۲

خط فرضی آستارا - حسینقلی مورد ادعای جمهوری آذربایجان که از نظر مقررات بین المللی قابل قبول نیست



۳

خط مرزی دریایی ایران در صورت تقسیم سراسر خزر بر اساس مقررات بین المللی



۴

تقسیم دریای خزر به پنج قسمت مساوی



۵

تقسیم دریای خزر بر طبق حق و حقوق ایران
با در نظر گرفتن حقوق مرزی - آبی کشورهای
تازه به استقلال رسیده

تشکیل هسته های براندازی در ایران

با توجه به شرایطی که در آن به سر می بریم، بیم ترور در خارج از طرف سیاست های جهانی و حکومت اسلامی می رود. اغلب ترورهایی که در خارج توسط حکومت تروریستی اسلامی انجام شده، با حمایت بی دریغ سرویس های اطلاعاتی و دولت های آن کشورها صورت گرفته است. سفارت حکومت اسلامی در پاریس یک بار در سال ۲۰۰۱ به دلیل افشاگری های سازمان پارس و شورای براندازی، از من به دولت فرانسه شکایت می کند و یک سال بعد نیز توسط تروریست هایش در مطب (محل کارم) به من حمله می کند. به دلیل آمادگی من برای مقابله با تهاجم، تروریست مزبور خلع سلاح شده و وادار به گریز می شود. اکنون با پروژه های سازمان پارس و شورای براندازی که در مسیر نابودی حکومت اسلامی و جاسوسان و نفی منافع استعماری است، این دشمنان ایرانزمین در صدد ترور میهن پرستان می باشند. فرزندان ایرانزمین اکنون زمان آن رسیده است که با شما مبارزان و پیکارجویان راه آزادی ایران اتمام حجت نمایم.

خون من چون می جهد با نام ایران
قلب من هم می تپد با نام ایران
روح من پرواز کنان در خاک ایران
زاده ام آخر من ای در خاک ایران
قلب دشمن می دریم با نام ایران
خون دشمن می چکیم با نام ایران
جانم ایران، خاکم ایران، کیشم ایران

فرزندان مبارز و پیکارجوی زمان آن فرارسیده است که با این حکومت اشرار و جنایتکار اسلامی به راستی و در عمل درگیر شویم. در داخل، فرزندان پیکارجو و مبارز ایرانزمین، هسته های براندازی را تشکیل می دهند که از سه یا پنج نفر تشکیل شده و سرپازان پاریسی نامیده می شوند. این هسته ها می بایست در تمام ارگان های کشور تشکیل گردد، به ویژه در دانشگاه ها و ادارات دولتی و همچنین نیروهای انتظامی (سپاه پاسدار، ارتش و پلیس). سعی کنید با تمرینات و ورزش های رزمی، خود را برای درگیری و جنگ با دشمن آماده سازید. فراگیری بکارگیری از سلاح های سرد و گرم، اساس کلی مبارزه علیه دستاربندها ضد ایرانی می باشد. هر هسته برای خود یک فرمانده انتخاب می نماید و او عملیات را هماهنگی می کند. قبل از اعلام همبستگی و

همکاری مشترک این **هسته** ها هیچگونه **ارتباط** و **همکاری** بین **هسته** ها به لحاظ مسائل **اطلاعاتی امنیتی** نخواهد بود. عملیات **هسته** ها پس از آمادگی و تهیه وسایل و تجهیزات و **تسلیمات** لازم شروع می شود. عملیات عبارت خواهند بود از **شناسایی** و **حذف فیزیکی** دشمنان ایرانزمین، به **آتش کشیدن** مراکز **تجمعات** و وسایل **نقلیه** آنها. صدمه رساندن به جان و مال این دشمنان مزدور، زمینه ساز **قیام ملی** خواهد بود.

ترس و وحشت را از دل خود بیرون نموده و بر دل تاریک **دشمنان ایرانزمین** افکنید و بدانید که خون **کوروش** و **داریوش** و همه **قهرمانان** میهن در **رگ** های شما جاری می باشد. **هسته های براندازی** می بایست به صورت **مخفی** و بسیار **سری** عمل نمایند و همواره چندی گام از دشمنان ایرانزمین **پیشتر** عمل کنند و تا آنجا که می توانند از خود **حفاظت** نموده و از لشکر **قربانی** بگیرند. **فرزندان پیکارجو** و **مبارز ایرانزمین**، **سربازان پارسی**، وقت رزم و پیکار فرا رسیده است، با **اعتصابات صنفی** و **کارگری** و همچنین **اعتصابات در ادارات** وابسته به **حکومت جبار اسلامی** خصوصاً **شرکت نفت** شریان های اقتصادی حکومت ملایان را **فلج** سازید. در هر فرصت مناسب **ضربه ای مهلک** به عوامل و سران حکومتی و به **عوامل و عناصر شرکت های نفتی** و **غیرنفتی خارجی** که از **حامیان** این **حکومت** می باشند وارد سازید که آنان در **لشکر دشمن** و ضد ایران و ایرانی می باشند.

در این حمله، نخست شرایط **تضعیف حکومت شیاطین مذهبی** و **حامیان خارجی** آنان را فراهم آورید و سپس روز **قیام ملی**، **روز رستاخیز همگانی** فرا خواهد رسید و در آن هنگام است که **ضربه آخر** بر **پیکر پلید، دزد، جانی و فاسد** دشمن وارد خواهد شد.

فرزندان پیکارجوی ایرانزمین، شیرزان و آزادمدان مبارز این پیکار میهنی به نظم و انضباط و پیروی از تاکتیک های **ستاد رهبری براندازی** نیاز دارد. عملیات خود را با پیام های شورای براندازی برای از بین بردن دشمنان ایرانزمین هماهنگ نمایید و بدانید که بدون نظم و همسویی همه نیروهای برانداز، پیروزی حاصل نخواهد شد.

فرزندان مبارز ایرانزمین، **سربازان نیرومند پارسی** شما اکنون در مبارزه با دشمنان قسم خورده فرهنگ و تاریخ و سرافرازی ایران به مرحله جدید دست یافته اید و آن مرحله عملیاتی و نابود ساختن فیزیکی آنان می باشد.

هسته های براندازی در روز **قیام ملی** که در آینده زمان آن تعیین خواهد شد، **رادیو** و **تلویزیون**، بلندگوهای حکومتی و مراکز آنها اشغال خواهند کرد و نوید پیروزی را از **رسانه های** گروهی سر خواهند داد. **زندانیان** را از زندان ها رهانیده و **عوامل حکومتی** را به جای آنها در **سیاهچال** ها بیافکنید. تا اعلام دولت موقت از **جانب شورای براندازی**، محل ها و شهرها را **هسته های برانداز** اداره خواهند نمود و مسئولیت امنیت عمومی به عهده آنان خواهد بود.

نبرد با اهریمن

فرزندان ایرانزمین، سربازان پارسی با مهر و دوستی و عشق ایرانی تبار با هم پیوندی جاودانه بستید و از ترکیب نیروهای یکدیگر قدرت عظیم **براندازی** را بیافرینید و آنگاه است که می توانید با **شجاعت** و **شهامت** و قدرت کافی **دشمنان ایرانزمین** را نابود سازید.

فرزندان ایرانزمین، سربازان پارسی « درفش رهایی ایرانزمین » می بایست در دل همه سربازان پارسی سایه افکند. این درفش نماد رزم ایرانیان علیه اهریمن سفاک می باشد.

فرزندان ایرانزمین به نیروی خود اتکا و **اعتماد** داشته باشید، قویتر و راسخ تر بر دشمنان مکار و حيله گر بتازید و دیگر اجازه ندهید **غرور** و **سرافرازی** شما را لگدمال کنند.

سربازان پارسی، دیگر اجازه ندهید ترفندهای حکومتی و **ستون پنجم** آنها در

اپوزیسیون مانند **مجاهدین خلق**، **سلطنت طلب های پهلوی چی**، **ملی مذهبی ها** و **توده ای**

های اصلاح طلب حکومتی و حامیان خارجی آنها شما را از مسیر پیکار تا پیروزی خارج نمایند.

فرزندان ایرانزمین زمان آن رسیده است که **بپاخیزید** و **جنبش سپید براندازی** را پیروز گردانید.

به امید پیروزی در نبرد با اهریمن سفاک

آبان ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

رهبری جنبش براندازی

درو بی پایان بر فرزندان ایرانزمین

درو بر مبارزان راه آزادی، آبادی و سرافرازی ایرانزمین

درو بر پیکارجویان و سربازان پارسی که رزم خویش را علیه دستاربندان ضد ایران و ایرانی آغاز کرده اند و **شعار مبارزه تا پیروزی** را سرلوحه نبرد خود با **اهریمن سفاک** نهاده اند **درو** من بر ایرانیانی که مرا به عنوان **رهبر جنبش سپید براندازی** برگزیده اند تا در پی آن با **نظم و همیاری یکدیگر** و نیز مسئولیت من به عنوان **فرمانده سپاه نیکی** علیه **پلیدی** با اتخاذ تاکتیک ها، کنش و واکنش ها بتوانیم **کشتی طوفانزده ایران** را به **ساحل پیروزی** و **سرافرازی** برسانیم.

اکنون **جنبش دانشجویان و زنان مبارز ایرانزمین** حرکت خود را در مسیر **براندازی ملایان جنایتکار** آغاز نموده است. سپاس و آفرین بر شما که **زنجیرها را گسسته** و برای رهایی نهایی وارد **کارزار** شده اید، بی گمان **همه اقشار ملت ایران** به شما خواهند پیوست و **من آرمان نوری** همواره در کنار شما خواهیم بود. **جنبش معلمان، کارگران و کارمندان** نیز حرکت خود را در مسیر **براندازی حکومت اسلامی** آغاز کرده است. سپاس و **درو** من بر آن فرزندان مبارزیست که پیش می تازند و عقب نمی نشینند. سپاس و **درو** من بر **هسته های بی باک و پیکارجوی برانداز**یست که از بدو تشکیل هدف های خود را شناسایی کرده و تاکنون تعدادی از آنها را نابود کرده اند و با **زیرکی خاص** در مسیر **خنثی** کردن مزدوران ضد ایرانی فعال می باشند.

فرزندان ایرانزمین، توانایی یک **رهبر ملی** - **میهنی** نیرویی است که از **پشتیبانی** شما ملت **غیور سرچشمه و الهام** می گیرد و آن **رهبر** تمامی قدرت و موقعیت جهانی خود را **مدیون اراده مردم** می داند و این تنفیذ و قبول مردم است که من به عنوان **نماینده آحاد مردم ایران** بتوانم سیاست های جهانی را وادار سازم که دست از حمایت این **دستاربندان جانی** حکومت اسلامی بردارند و در مسیر **انساندوستی**، صلح و آرامش و **منافع مردم ایران** از جنبش براندازی حمایت کنند.

فرزندان ایرانزمین، یک رهبر ملی - **میهنی** نیاز به حمایت مردم دارد، یک رهبر ملی - **میهنی** از نیروی عظیم مردم به پاخاسته برای رهایی و رسیدن به **آرمان های آزادی** و عدالت اجتماعی و همچنین دفاع از **شرف و نهاد فرهنگی**، مدد می گیرد.